

قرارداد آتی سکه در بورس کالا با نگاهی به حقوق مدنی فرانسه (اصلاحیه ۲۰۱۶)

محمد رضا داود آبادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴

چکیده

قرارداد آتی در سال‌های اخیر مورد استقبال فراوانی از سوی سرمایه‌گذاران در حوزه معاملات سکه، قرار گرفته است. چرا که فروشنده تعهد می‌کند؛ در زمان مشخصی مقدار از سکه را به قیمتی که در لحظه انعقاد قرارداد تعیین شده، به خریدار بفروشد و خریدار طبق قرارداد تعهد می‌کند؛ سکه مذکور را با همان مشخصات خریداری کند. اما در این نوع قرارداد «قبض ثمن فی المجلس» بخاطر تعیین زمان انجام نمی‌پذیرد و همچنین «فروش مبیع قبل از سررسید»، بوسیله اخذ یک موقعیت فروش توسط مشتری امکان پذیر است. همچنین در این نوع قرارداد «احتمال سود و زیان» بطور مساوی وجود دارد؛ مشابه با «قرارداد قماری» می‌باشد. سؤالی که مطرح می‌شود؛ این نوع قرارداد از دیدگاه فقهی و حقوقی باطل می‌باشد؟ نتیجه حاصل از این نوشتار بر این دلالت دارد؛ که قرارداد آتی با عنوان «Contrat aleatoire» در حقوق مدنی فرانسه صحیح می‌باشد و با بررسی در کلام فقهاء امامیه «مطابق با شریعت و موازین اسلامی» بوده و موضوع «لزوم قبض ثمن فی المجلس» و «ممنوعیت فروش مبیع قبل از سررسید» براساس اجتهاد و مصلحت اندیشی مشهور فقهاء است. همچنین «قمار» در اصطلاح فقه «بازی با آلات قمار همراه با گرویندی» می‌باشد. اما «مفهوم بازی» در قراردادهای آتی سکه موضوعیت نداشته و «سامانه قراردادهای آتی» شباهتی به «آلات قمار» ندارد.

واژگان کلیدی: قرارداد آتی، الکالی‌بکالی، سلف، الدین‌الدین، قمار.

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)

مقدمه

«قرارداد آتی» یکی از انواع ابزار مشتقه، در واقع «قراردادی دو طرفه» است؛ که خریدار اقدام به خرید کالایی می‌کند ولیکن تصمیم ندارد هنگام انعقاد قرارداد کالا را تحویل بگیرد؛ بلکه می‌خواهد چند ماه بعد کالا را تحویل گرفته و پول آن به فروشنده بپردازد. (معصومی‌نیا، غلامعلی، ۱۳۸۹، ص ۲۴) البته برای تضمین چنین قراردادی، باید خریدار و فروشنده هر کدام مبلغی را در نزد شخص امینی (بورس کالا) بعنوان ودیعه قرار دهند. (صالح‌آبادی، علی، ۱۳۸۵، ص ۳۱) در این نوع معامله الزامی نیست؛ که سکه‌های مورد توافق برخلاف بازارهای نقدی، به طور فیزیکی رد و بدل شود (در صورت نیاز به تحویل، آنرا از بازار فیزیکی تهیه نماید). بعبارت دیگر انتقال مالکیت دارایی بالفور مطرح نمی‌شود. معاملات آتی سکه (فیوچرز) در بازارهای جهانی از سوی تجار مورد اقبال قرار گرفته است؛ زیرا منافع خریدار و فروشنده سکه را تأمین شده و همچنین فرصتی مناسب برای کسب سود برای نوسان گیران فراهم می‌شود. بعبارت دیگر؛ فعالان این نوع قراردادها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- خریداران سکه که در بازار آتی با قیمت معین سکه‌ها را پیش خرید می‌کنند.
- ۲- فروشندگان سکه که سکه‌های خود را به قیمت معین در آینده (زمان دلخواه) بفروش می‌رسانند.
- ۳- نوسان‌گیرها (قصد خرید و فروش فیزیکی سکه را ندارند) که با پیش‌بینی صحیح از روند قیمت سکه سود سرشاری را بدست آورند.

انگیزه اصلی ایجاد چنین قراردادی (قرارداد آتی سکه) در بورس کالا، مدیریت ریسک ناشی از نوسانات قیمت سکه در بازار می‌باشد (درخشان، مسعود، ۱۳۹۰، ص ۹۵) و از طرفی دیگر تأمین مالی برای فروشنده بدون تحویل سکه نیز می‌توان به آن اضافه نمود. (شاید فروشنده با همان وجه پرداختی از سوی خریدار به تهیه سکه بپردازد) آری، قراردادهای آتی کمک شایانی به رونق یافتن اقتصاد در کشور می‌کند. زیرا هم خریدار و هم فروشنده با این نوع قرارداد ریسک خود را کاهش می‌دهند و می‌توانند با ریسک بالاتر سودهای کلانی را کسب کنند. (ره‌پیک، حسن، ۱۳۸۷، ص ۳۷۱) همچنین ویژگی‌های دیگر برای نوع قرارداد وجود دارد. از جمله: معافیت مالیاتی، تخصیص سود بانکی به مبلغی که در حساب مشتری وجود دارد و واریز روزانه سود و زیان به حساب مشتری، امکان برداشت موجودی از حساب، کارمزدهای بسیار پایین، امکان خرید و فروش نامحدود سکه در

هر روز معاملاتی و... اما این نوع قراردادهای در حوزه خرید و فروش سکه در بورس کالا دارای دو ایراد اساسی می‌باشد. از طرفی این نوع قرارداد مصداق بارزی از «بیع الکالی بکالی» می‌باشد. چرا که خریدار در هنگام عقد قرارداد سکه‌های مورد توافق را تحویل نگرفته است؛ که مصداق «عدم قبض ثمن فی المجلس» است و همچنین سرمایه‌گذار می‌تواند قبل از تحویل سکه‌ها در موعد مقرر با اخذ یک موقعیت فروش (بالاتر یا پایین‌تر از قیمت سکه) قرارداد آتی خود را در بازار ببندد؛ که مصداق «فروش مبیع سلف قبل از سررسید» می‌باشد. انگیزه شکل‌گیری این کار توسط خریدار ناشی از نوسانات قیمت‌ها در بازار بورس است. (درخشان، مسعود، ۱۳۹۰، ص ۹۵) که در اصطلاح عامیانه به این گونه قراردادهای «پیش خرید و پیش فروش» می‌گویند. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۴، ص ۳۶۲) از طرف دیگر این نوع قرارداد بخاطر داشتن «ریسک بالا»، شباهت زیادی با «قراردادهای قمار» دارد؛ که برخی محققین به همین دلیل قرارداد آتی سکه را باطل می‌دانند. (صالح‌آبادی، علی، ۱۳۸۵، ص ۲۱) سؤالی که مطرح می‌شود، این است؛ که این نوع قرارداد با توجه به سکوت قانون مدنی؛ جایز و صحیح است؟ و یا براساس اصل چهارم قانون اساسی «کلیه قوانین باید براساس موازین اسلامی باشد» با رجوع به منابع فقهی، حکم به بطلان این نوع قرارداد نمود؟ هرچند برخی پژوهشگران^۱ درباره این موضوع تاکنون اظهار نظرهایی کرده‌اند؛ لیکن تا آنجا که نگارنده تتبع نموده‌اند، این مساله به زبان نو فقهی و حقوقی بالخصوص در مورد «خرید و فروش سکه در بورس اوراق بهادار» مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است. در این مقاله جهت پاسخ به سؤالات مذکور، مسأله را با در نظر گرفتن نظریات فقیهان صاحب نظر از ابتدا شکل‌گیری فقه و آرای حقوقدانان مطرح ایران در سه بخش «بیع الکالی بکالی» و «قراردادهای قمار» و «قرارداد آتی در حقوق مدنی فرانسه» مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

۱. بیع الکالی بکالی

«الکالی» اسم فاعل از ماده «کالاً» (حمیری، نشوان بن سعید، ۱۴۲۰ ق، ج ۹، ص ۱۸۰) و به معنای «مراقبت و نظارت داشتن» است. (حسینی شیرازی، سیدمحمد، ۱۳۷۵ ق، ج ۱۶، ص ۱۴۸) بعبارت دیگر؛ «هر یک از طرفین قرارداد، در انتظار بدست آوردن طلب خویش از دیگری هستند».

۱- علی صالح‌آبادی، ۱۳۸۵، بازارهای مالی اسلامی (مجموعه مقالات) - غلامعلی معصومی‌نیا، ۱۳۸۹، بازارهای مشتقه بررسی فقهی و اقتصادی - علی محی‌الدین شیخ قره‌داغی، ۱۴۲۶ ق، مجمع‌الفقه‌الاسلامی.

(طباطبایی کربلایی، سیدعلی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۵۲۹) البته برخی دیگر از لغت شناسان «بیع دین به دین» (حمیری، نشوان بن سعید، ۱۴۲۰ ق، ج ۹، ص ۱۸۰) و «بیع نسیه به نسیه» (ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۴۲۱ ق، ج ۴، ص ۱۹۴) را مصداق این نوع قرارداد دانسته‌اند که براساس کلام نبوی «نهی عن بیع الکالی بکالی» (موسوی خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۷ ق، ج ۷، ص ۵۴۴) باطل است. «بیع الکالی بکالی» اولین بار توسط «ابن برآج» در قرن پنجم هجری در کتاب المهدب مطرح شد. (برآج طرابلسی (القاضی ابن البراج)، عبدالعزیز، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۳۸۸) البته برخی از فقهاء امامیه بیان کرده‌اند: که «بیع الکالی بکالی» از فقه عامه به فقه امامیه وارد شده است. (حسینی عاملی، محمدجواد، ۱۴۱۹ ق، ج ۵، ص ۲۸) چرا که در کتاب‌های روایی شیعه، سخنی در مورد آن مطرح نشده است. فقهاء امامیه «بیع الکالی بکالی» اینگونه بیان کرده‌اند: «خرید و فروش کالای مدت دار در مقابل ثمن مدت دار را بیع الکالی بکالی گویند». (انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۹۷)

«بیع الکالی بکالی» در فقه امامیه در دو مبحث جداگانه «بیع سلف بیع الدین بالدین» مورد بحث قرار گرفته است. اما در مقابل قانون مدنی کلامی در مورد «بیع الکالی بکالی» بیان نکرده، اگرچه حقوقدانان اینگونه تعریف کرده‌اند: «معامله‌ای که در آن ثمن و مثن کلی بوده و موعدی در آینده برای تسلیم آن معین گشته است». (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۰۵)

۱-۱. بیع سلف

«سَلَم» و «سَلَف» در لغت (حلی (علامه)، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۲۵۸) به معنای «قبول کردن و تسلیم نمودن شیء» هستند. (ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، ج ۱۲، ص ۲۹۵) در اصطلاح فقهی «بیع سلف» یعنی «فروش کالا کلی مؤجل، در برابر ثمن حال که در مجلس عقد و با صیغه مخصوص (به اعتقاد مشهور فقهاء) در اختیار فروشنده قرار می‌گیرد». (جبعی عاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۴۰۲) شرایط «بیع سلف» در فقه امامیه به این شرح است: «ذکر کردن جنس و وصف مبیع» و «تعیین مقدار کالا» و «تعیین دقیق زمان تسلیم مبیع» و «یافت شدن کالا در سررسید مدت شرط شده» و «لزوم قبض ثمن پیش از متفرق شدن» و «ممنوعیت فروش مبیع سلف قبل از سررسید». (دادمرزی، سیدمهدی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۱ الی ۲۷۳) در حقوق مدنی ایران، تعریف و شرایط «بیع سلف» بیان نشده، اگرچه حقوقدانان همان دیدگاه فقهاء

امامیه را در بیان کرده‌اند. لازم بذکر است؛ که در دو شرط اخیر «بیع سلف» بین فقهاء امامیه و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد.

۱-۱-۱. «قبض ثمن فی المجلس»

در این قسمت «قبض ثمن فی المجلس» از دیدگاه حقوقدانان و فقهاء امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. از دیدگاه حقوقدانان: برخی حقوقدانان برای اثبات لزوم «قبض ثمن در بیع سلف» (جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۶۹)

ادله ذیل را بیان نموده‌اند. از جمله:

الف- اصل چهارم قانون اساسی (ملازمه قانون با فقه امامیه).

ب- ماده ۳۶۴ قانون مدنی «در بیعی که قبض شرط صحت آن است؛ مثل بیع صرف، انتقال از حین حصول شرط است؛ نه وقوع عقد». لازم بذکر است، که «بیع صرف در این ماده از باب مثال آورده شده است». (جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۹۳)

ج- ماده ۳۴۱ قانون مدنی «بیع ممکن است؛ مطلق باشد یا مشروط و نیز ممکن است، که برای تسلیم تمام یا قسمتی از مبیع یا برای تأدیه تمام یا قسمتی از ثمن اجلی قرار داده شود».

اما در مقابل برخی دیگر از حقوقدانان برای عدم لزوم «قبض ثمن در بیع سلف» (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۱۷) ادله ذیل را بیان نموده‌اند:

الف- ماده ۱۰ قانون مدنی «اصل آزادی قراردادها».

ب- ماده ۳۴۱ قانون مدنی دلالت بر عدم مؤجل بودن مبیع و ثمن ندارد؛ «زیرا بیعی که ثمن و مثن هر دو عین خارجی و ثمن کلی و هر دو مؤجل باشند؛ نیز باید باطل دانست و حال آنکه از اقسام بیع الکالی بکالی به شمار نمی‌روند». (امامی، حسن، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۵۴)

ج- اجتهاد و مصلحت اندیشی فقهاء امامیه «شرط قبض ثمن در مجلس بیع سلم و بطلان بیع الکالی بکالی، براساس اجتهاد و مصلحت اندیشی فقهاء بوده است؛ زیرا در کتاب‌های روایی، از «بیع الدین بالدین» منع شده است؛ که البته در ماهیت آن نیز اختلاف نظر وجود دارد». (کاتوزیان،

ناصر، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۰۶) همچنین «بطلان دانستن این نوع معامله، سبب عُسر و حَرَج برای مردم در تجارت می‌شود». (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۰۶)

۲. از دیدگاه فقهاء امامیه: مشهور فقیهان امامیه برای اثبات لزوم «قبض ثمن در بیع سَلَف» ادله ذیل را بیان نموده‌اند. از جمله:

الف- محقق سبزواری (سبزواری (محقق)، سید عبدالاعلی، ۱۳۸۸، ق، ج ۱۸، ص ۳۰) و طباطبایی کربلایی (طباطبایی کربلایی، سیدعلی، ۱۴۰۴، ق، ج ۹، ص ۱۲۱) برای لزوم «قبض ثمن در بیع سَلَف» ادعای «اجماع» نموده و این موضوع را به «سیره علماء پیشین» نسبت داده‌اند. اما اجماع مذکور از جهاتی محدود می‌باشد. زیرا:

اولاً: علمای سَلَف امامیه (النعمان (مفید)، محمدبن محمد، ۱۴۱۰، ق، ص ۶۱۱) به «عدم مؤجل بودن ثمن در بیع سَلَف»، اشاره‌ای نکرده است و همچنین ابن جنید «تأخیر تا سه روز در پرداخت ثمن» (نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۷، ج ۲۴، ص ۲۸۹) جایز دانسته است.

ثانیاً: شیخ طوسی در بعضی از تالیفات (طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، ص ۳۹۵) «تعیین جنس و وصف و مدت» را جزء شرایط اصلی بیع سَلَف، دانسته است.

ثالثاً: برخی دیگر از فقهاء «دلیل و نص خاصی بر این مسأله» پیدا نکرده و در این موضوع «توقف» کرده‌اند. (بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۱۵)

رابعاً: اجماع فقهاء «اجماع مدرکی» بوده و حجت نمی‌باشد. (نایینی، محمدحسین، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۹)

ب- روایت: دلیل معتناهی که در این روایت «نهی النبی (ص) عن بیع الکالی بالکالی» است؛ که در کتاب مستدرک الوسایل (نوری طبرسی، حسین، ۱۴۰۸، ق، ج ۱۳، ص ۴۰۵) مطرح شده است. اما روایت مذکور قابل استناد نمی‌باشد. زیرا؛ روایت فوق در کتاب دعائم الاسلام (مغربی، نعمان، ۱۳۸۵، ق، ج ۲، ص ۳۳) نقل شده که بخاطر «ضعف سند» (انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۶) و «سستی متن» (موسوی خمینی، روح‌الله، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳۲) و «مُرسله بودن» (موسوی خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۰، ق، ج ۴، ص ۳۱۲) مورد اعتماد نبودن نمی‌باشد و فقط «بر یک مضمون کلی» دلالت دارد.

«موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۴۹۲) همچنین در دیگر روایات شیعه فقط شرایط «جنس و وصف - تعیین مدت و مقدار» مطرح شده است. (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۱۹۹)

ج - ایجاد غرر: «تأخیر در قبض ثمن را موجب غرر» (حلی (علامه)، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۳۳۶) شده که همین امر سبب بطلان عقد سلف می‌گردد. این دلیل صحیح نمی‌باشد. زیرا: همانطور که بیان شده براساس روایت معتبر «جنس و وصف و مقدار و تعیین مدت» (طوسی، محمد بن الحسن، بی تا، ص ۳۹۵) برای جلوگیری از غرر در بیع سلف کفایت می‌کند.

د - اصل عدم نقل ملکیت: عدم قبض ثمن در عقد سلف موجب «شک در سببیت عقد (نقل و انتقال)» (نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۷، ج ۲۴، ص ۲۸۹) می‌گردد؛ که اصل حاکم در این موضوع، «عدم انتقال ملکیت» است.

این دلیل قابل قبول نمی‌باشد. زیرا: در صورت «شک کردن در سببیت عقد» (نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۷، ج ۲۴، ص ۲۸۹) براساس «عمومات بیع»^۱ اصل ملکیت، حاکم است.

و - منافات داشتن با ماهیت بیع سلف: «عدم قبض ثمن عقد سلف، سبب منتفی شدن صحت و حقیقت بیع سلف» (حلی (علامه)، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۱، ص ۳۳۶) می‌شود. این دلیل قابل مناقشه است. زیرا: براساس روایت صحیح (حرالعالمی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۲، ص ۴۵۸) «قبض الثمن فی المجلس» در «بیع صرف»^۲ لازم است.

۱ - عمومات بیع: «احل الله بیع» (سوره بقره، آیه ۲۷۵) و «لاتاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا تکون تجاره عن تراض» (سوره نساء، آیه ۲۹) و «وفوا بالعقود» (سوره مائده، آیه ۱) و «المؤمنون عند شروطهم». (طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۹۰ ق، ج ۷، ص ۳۷۱)

۲ - «بیع صرف، بیع طلا به طلا یا نقره، یا نقره به نقره یا طلا است. و بین سگه دار آن‌ها و غیر آن فرقی نیست، حتی در «کلبتون» که از ابریشم و یکی از طلا و نقره ساخته شده است، در صورتی که به کلبتون دیگری فروخته شود و طلا و نقره‌ای که در آن‌ها است برابر هم حساب شود بیع صرف است. و اما اگر دو لباس (که طلا و نقره در آن‌ها به کار رفته) برابر هم حساب شود ظاهراً بیع صرف در آن جاری نیست و همچنین اگر (به عنوان لباس) به یکی از آن‌ها فروخته شود. و در صحت بیع صرف قبض کردن هر دو در مجلس شرط است، پس اگر متفرق شوند و هر دو قبض نکرده باشند، بیع باطل است. و اگر مقداری قبض شود فقط در آن صحیح است و در آنچه قبض نشده، باطل است. و همچنین اگر یکی از آن‌ها همراه با غیر طلا و نقره، در یک معامله به یکی از آن‌ها فروخته شود و همه را قبض نکنند تا متفرق شوند نسبت به نقد (طلا یا نقره) باطل است و نسبت به غیر آن صحیح است» (موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۱۱) لازم بذکر است؛ «اگر معامله بر نوت و

۱-۱-۲. «فروش مبیع سلف قبل از سررسید»

در این قسمت «فروش مبیع سلف قبل از سررسید» از دیدگاه حقوقدانان و فقهاء امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. از دیدگاه حقوقدانان: برخی حقوقدانان برای اثبات ممنوعیت «فروش مبیع سلف قبل از

سررسید» (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۸، ص ۴۶۹) ادله ذیل را بیان نموده‌اند. از جمله:

الف- براساس مفاد اصل ۱۶۷ قانون اساسی (رجوع به منابع معتبر فقهی در صورت فقدان نص

قانونی یا اجمال یا ابهام آن) «فروش مبیع سلف قبل از سررسید» ممنوع است.

ب- براساس مفاد ماده ۳۳۸ قانون مدنی «بیع عبارت است؛ از تملیک عین به عوض معلوم»

بخاطر عدم وجود «مبیع سلف قبل از سررسید» ممنوع است.

ج- براساس مفاد ماده ۳ دستورالعمل اجرایی معاملات سلف شورای پول و اعتبار، تمامی بانک‌ها

از فروش محصولات تولیدی پیش خرید شده، قبل از سررسید آن ممنوع می‌باشند.

اما در مقابل، برخی دیگر از حقوقدانان برای اثبات مجاز بودن «فروش مبیع سلف قبل از

سررسید» (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۱۷) ادله ذیل را بیان نموده‌اند:

الف- براساس مفاد ماده ۱۰ قانون مدنی (عدم مخالفت قانونی) «فروش مبیع سلف قبل از

سررسید» صحیح می‌باشد.

ب- براساس مفاد ماده ۳۴۸ قانون مدنی «چیزی که بایح، قدرت بر تسلیم آن ندارد؛ باطل است،

مگر این که مشتری، خود قادر بر تسلیم باشد» مشتری قادر بر تسلّم «مبیع سلف قبل از سررسید»

است؛ لذا «فروش مبیع سلف قبل از سررسید» صحیح می‌باشد.

ج- براساس مفاد ماد ۳۵۱ قانون مدنی «در صورتی که مبیع کلی (یعنی صادق بر افراد عدیده)

باشد، بیع وقتی صحیح است؛ که مقدار و جنس و وصف مبیع ذکر شود»؛ فروش «مبیع سلف قبل از

سررسید» با ذکر تمامی اوصاف آن، جایز می‌باشد.

منات و پول‌های کاغذی که در زمان ما متعارف است، از یک طرف یا دو طرف واقع شود ظاهر آن است که احکام بیع صرف بر آن‌ها جاری نمی‌شود». (موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۱۲)

۲. از دیدگاه فقهاء امامیه: مشهور فقیه‌ها امامیه برای اثبات ممنوعیت «فروش مبیع سلف قبل

از سررسید» به دو دلیل استناد

کرده‌اند؛ که به نقد و بررسی آن می‌پردازیم:

الف- بسیاری از علماء امامیه (ابن‌ادریس، محمدبن‌احمد، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۴۲:

موسوی‌خمینی، روح‌الله، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۵۰) برای ممنوعیت «فروش مبیع سلف قبل از سررسید»

ادعای «اجماع» نموده‌اند. لازم بذکر است؛ که مصالحه کردن بر روی مبیع، قبل از سررسید آن؛ جایز

می‌باشد. (جبعی‌عاملی (شهیدثانی)، زین‌الدین‌بن‌علی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۲۸۶) چرا که در «عقد

صلح» قانون بیع حکمفرما نیست.

اجماع مذکور مورد تردید می‌باشد. زیرا:

اولاً: «اجماع منقول» بوده و «حجت نمی‌باشد». (کاشف‌الغطاء، حسن، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۹)

ثانیاً: ابن‌فهد حلی (حلی (ابن‌فهد)، جمال‌الدین، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۴۷۶) و حسینی روحانی

(حسینی‌روحانی، سیدصادق، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۵۰) حکم به جواز فروش «مبیع سلف قبل از سررسید» را

صادر کرده‌اند.

رابعاً: دلیل قابل قبولی، بر ممنوعیت «فروش مبیع سلف قبل از سررسید» در فقه امامیه وجود

ندارد. (خرازی، محسن، بی‌تا، ج ۴۴، ص ۲۵)

ب- **عدم استیلاء مشتری:** اگرچه خریدار مالک «مبیع سلف قبل از سررسید» گشته، ولی

هیچ استیلاء بر مبیع پیدا نکرده است. همچنین «مدت تعیین شده در بیع سلف برای اداء کردن است؛

نه برای ملکیت». (کاشف‌الغطاء، حسن، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۹) این دلیل صحیح نمی‌باشد. زیرا: با

انشاء بیع، ملکیت حاصل می‌گردد (موسوی‌بجنوردی، محمد، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۱۶۳) هرچند مبیع و

ثمن، به دیگری انتقال پیدا نکرده باشد. (انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۶) در صورتی که مبیع

در دسترس او قرار نگیرد؛ دارای «خیار تأخیر» می‌باشد. (انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۳۰) در

آخر اینکه انتفاع از مبیع، منوط بر استیلاء بر آن نیست. (انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۸۵) چه

بسا اهداف دیگر برای انعقاد قرارداد وجود دارد. همانند مساله «من یعتق علیه». (جبعی‌عاملی

(شهیدثانی)، زین‌الدین‌بن‌علی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۲۲۲)

۲-۱. بیع الدین بالدین

«دین» به معنای «قرض گرفتن مال» (ابن منظور، محمدبن مکرم، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۶۸) یا «چیزی که دارای مدت» می باشد. (فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۵) حقوقدانان «بیع الدین بالدین» اینگونه بیان کرده اند: «تعهدی که برعهده شخصی به نفع دیگری وجود دارد، از حیث انتساب به بستانکار، طلب و از جهت نسبتی که به بدهکار دارد، دین (بدهی) می گویند». (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۴، ص ۳۱۶) در مورد جواز یا عدم جواز این نوع قرارداد بین حقوقدانان اختلاف نظر می باشد. اما معنای «بیع الدین بالدین» در فقه امامیه توسط برخی از فقهاء امامیه مورد تردید قرار گرفته است (قمی (میرزای)، ابوالقاسم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۴۵) و برخی دیگر (کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، ۱۴۰۹، ق، ج ۱، ص ۱۸۰) «بیع الدین بالدین» را همان «بیع الکالی بکالی» تلقی کرده اند. البته این نظریه بخاطر «تداخل مکتب فقهی امامیه و عامه» بوده که موجب سرگردانی برخی فقهاء امامیه (اراک، محمدعلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۳) شده است. چرا که رابطه بین این دو قرارداد «عموم و خصوص مطلق» می باشد. عده ای از فقهاء صور «بیع الدین بالدین» را ۴۶ صورت بیان کرده اند (سبزواری (محقق)، سید عبدالاعلی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۹) و در مقابل برخی دیگر هشت صور را بیان کرده اند.^۱ (طباطبایی قمی، سیدتقی، ۱۴۱۰، ق، ج ۹، ص ۲۰۳) در مورد «بیع الدین بالدین» دیدگاه های مختلفی از سوی فقهاء امامیه مطرح شده است. برخی از فقهائیان در مورد «بیع الدین بالدین» سکوت کرده اند^۲ و برخی دیگر از علماء بطور مطلق (فروش دین بواسطه عقد یا بدون آن) این نوع قرارداد را جایز ندانسته اند (ابن ادریس، محمدبن احمد، ۱۴۱۰، ق، ج ۲، ص ۵۵) و برخی دیگر بطور مطلق جایز دانسته اند. (طوسی، محمدبن حسن، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۰)

۱. «دو دین سابق، مؤجل فعلی یا سابق مؤجل و حال فعلی یا دین سابق حال، دین مؤجل لاحق و با توجه به اینکه مبیع به مدیون یا غیر آن فروخته شود».

۲. «۱- بیع دین مؤجل با دین مؤجل. ۲- بیع مضمون مؤجل با مضمون مؤجل. ۳- بیع دین مؤجل با عین. ۴- بیع دین مؤجل حال با عین. ۵- بیع دین حال با مؤجل حال. ۶- بیع دین مؤجل حال با مضمون حال. ۷- بیع دین مؤجل حال با مضمون حال. ۸- بیع دین یکی بر دیگری با دین دیگری بر او».

۳. شیخ صدوق در کتاب المقنع و الهدایة هیچ سخنی در این مورد بیان نکرده است.

با توجه به نظریات فوق و تتبع در روایت «قال رسول الله (ص): لایباع الدین بالدین» (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۱۰۰) این گونه می‌توان نتیجه گرفت: که بطلان خرید و فروش دین قبل از عقد برخلاف بیع دین بواسطه عقد (اختلاف نظر وجود دارد) مورد اتفاق اکثریت علماء امامیه می‌باشد. (بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۲۰۲) شهید ثانی بیان کرده است: «شخصی دینی را که برعهده دیگری دارد؛ در مقابل دین مؤجل دیگری بر عهده همان شخص یا ثالثی بفروشد یا دینی را که برعهده بدهکار یکی از طرفین است، در مقابل دینی که به عهده بدهکار طرف دیگر است؛ بفروشد». (جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۴۳۳)

۱. دیدگاه حقوقدانان:

برخی حقوقدانان برای اثبات بطلان «بیع الدین بالدین» بوسیله عقد، ادله ذیل را بیان نموده‌اند. از جمله:

الف- براساس اصل چهارم قانون اساسی چون مشهور فقهاء این بیع را باطل دانسته است؛ پس از لحاظ قانون نیز باطل می‌باشد. «هرچند که امروزه در روابط بازرگانی و بین‌المللی شایع است». (کیائی، عبدالله، ۱۳۷۶، ص ۱۷۹)

ب- براساس ماده ۳۳۸ قانون مدنی، مورد داد و ستد عقد بیع باید مال باشد و «مال در اصطلاح حقوقی به چیزی گفته می‌شود؛ که بتواند مورد داد و ستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد». (امامی، حسن، ۱۳۷۸، ص ۲۶) اما در «بیع الدین بالدین»، موضوع مورد معامله «حق» است؛ که از دیدگاه حقوق موضوعه ایران، قابل «نقل و انتقال بوسیله عقد» نمی‌باشد.

اما برخی دیگر از حقوقدانان بر جواز «بیع الدین بالدین» به سه دلیل استناد نموده‌اند:

الف- با توجه به اصل آزادی قراردادی (ماده ۱۰ قانون مدنی) «بیع الدین بالدین» صحیح می‌باشد.

ب- با توجه به ماده ۲۱۹ قانون مدنی (لازم الاتباع بودن عقود بین متعاملین) «بیع الدین بالدین» لازم الاتباع می‌باشد.

ج- «در عرف داد و ستد، به انتقال حقوقی فروش گفته می‌شود؛ تا جایی که پاره‌ای از مولفان با هیجان نسخ ماده ۳۳۸ قانون مدنی را مطرح کرده‌اند». (جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۲، ص ۴۶۲)

۲. دیدگاه فقهاء امامیه

برخی فقهاء امامیه برای اثبات بطلان «بیع دین به دین» بوسیله عقد، ادله ذیل را بیان نموده‌اند. از جمله:

الف- اجماع: برخی فقهاء امامیه بر بطلان «بیع الدین بالدین» ادعای اجماع نموده است. (العاملی (شهیداول)، محمدبن مکی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۱۳)
اجماع مذکور مورد تردید می‌باشد. زیرا:

اولاً: بسیاری از فقهاء امامیه (همانطور که بیان شد) «بیع الدین بالدین» را صحیح دانسته‌اند.

ثانیاً: اجماع مذکور براساس روایت «لایباع الدین بالدین» بوده که بخاطر «مدرکی بودن» حجت نمی‌باشد. (نایینی، محمدحسین، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۹)

ثالثاً: با تتبع بر آرای تمام فقهاء امامیه این موضوع کشف می‌شود: ممنوعیت بیع دو دین قبل از عقد، مورد اتفاق نظر می‌باشد؛ اما در مورد خرید و فروش دو دین بوسیله قرارداد، اتفاق نظری تام میان فقهاء امامیه وجود ندارد.

ب- روایت: روایت «لایباع الدین بالدین» (حراالعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳، ص ۶۴-۹۹) بر ممنوعیت «بیع الدین بالدین» بوسیله عقد دلالت می‌کند. این دلیل قابل بحث است. زیرا: روایت فوق بخاطر اینکه راوی آن «طلحه بن زید» انسانی «غیرموثق و از اهل سنت می‌باشد». (نجاشی، احمدبن علی، ۱۳۶۵، ص ۲۰۷) همچنین شهیدثانی بیان می‌کند: «این روایت تنها در جایی نمی‌تواند دین را عوض برای دین قرار داد؛ که در زمان عوض واقع شدن، عنوان دین بر آن صادق باشد. چرا که لازمه وارد شدن حرف «باء» بر دین همین است؛ در حالی که آنچه در زمان عقد مضمون است، دین نیست؛ بلکه پس از عقد به دین تبدیل می‌شود؛ بنابراین بیع دین به دین محقق نمی‌گردد. همچنین اگر فروش دین به ثمن مؤجل مصداق معامله بیع الکالی بالکالی باشد، در این

صورت همین وضعیت در مورد فروش دین به ثمن نقدی به وجود می‌آید؛ بدون آنکه میان این دو مورد تفاوت آشکاری باشد». (دادمرزی، سیدمهدی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۹)

ج- اشتراط قبض در حین عقد: ابن ادریس فرموده است: «انسان مواد غذایی را در بیع سلف خریداری کند و ثمن آن را پرداخته نکند و بصورت دین به عهده او باقی بماند؛ این نوع بیع جایز نیست» همچنین با اشکال کردن به سخن شیخ طوسی (مکروه بودن فروش دین را در مقابل نسیه) می‌گوید: «این بیع بخاطر اخبار آحاد جایز نیست؛ اگرچه که شیخ طوسی اخبار آحاد عمل نمی‌کند». (ابن ادریس، محمدبن احمد، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۵۵) این دلیل قابل قبول نمی‌باشد. زیرا «در حین عقد، قبض (ثمن) شرط نمی‌باشد و امکان قبض بعد از زمان مقرر شده محقق می‌شود». (بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۳۶۳، ج ۲۰، ص ۲۰۲)

۲. قراردادهای قِماری

واژه «قِمار» به معنای «گرو قراردادن در ضمن بازی» می‌باشد. (طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۴۶۳) در اصطلاح فقه اسلامی به معنای «بازی با آلات مخصوصی که در آن شرط شده باشد؛ که به برنده بازی چیزی [جایزه] بدهند. برخی دیگر «قِمار و گروبندی» را بعنوان معنی غرر (ابن قیّم الجوزیه، محمدبن ابی بکر، ۱۴۲۸ ق، ج ۴، ص ۲۶۹) بیان کرده‌اند. اما این معنای صحیح نمی‌باشد. زیرا بین «قِمار و گروبندی» و «غرر» تفاوت اساسی وجود دارد. قِمار و گروبندی، قرارداد نامشروع است؛ که انحطاط اخلاقی در جامعه را به همراه دارد ولی معاملات غرری بخاطر فاقد شرایط اساسی صحت معامله، باطل است. همچنین در معاملات غرری قصد طرفین معامله به صورت گروبندی نیست. در کتاب‌های فقهاء امامیه، حکم قِمار در بخش مکاسب محرّمه (درآمدهای حرام) آمده است. (انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۷۱) کلام فقهاء امامیه در این رابطه شامل دو موضوع «بُرد و باخت» و «بازی با آلات قِمار» می‌باشد؛ که هر یک مورد تشریح قرار می‌گیرد.

۲-۱. بُرد و باخت

در مفهوم قِمار عنوان بُرد و باخت از سوی برخی از فقهاء امامیه بیان شده است. صاحب جواهر بُرد و باخت را شرط در مفهوم قِمار (به دلیل انصراف ادله حرمت قِمار) دانسته است (نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۷، ج ۲۲، ص ۱۰۹) و محقق نراقی نیز همین موضوع را بیان کرده است و فقط در

این که آیا گرو باید از سوی بازیکنان باشد یا نه؛ تردید نموده است». (نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۱۰۴) اما شیخ انصاری براساس تفسیر قمی در مورد سوره مائده آیه ۹۰ «عن أبی الجارود، عن أبی جعفر (ع) فی قوله تعالیٰ إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ قَالَ: «أَمَّا الْخَمْرُ فَكُلُّ مُسْكَرٍ مِنَ الشَّرَابِ إِلَىٰ أَنْ قَالَ: وَ أَمَّا الْمَيْسِرُ فَالْفَرْجُ وَالشُّطْرَنْجُ، وَ كُلِّ قِمَارٍ مَيْسِرٍ إِلَىٰ أَنْ قَالَ: وَ كُلِّ هَذَا بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ الْإِنْتِفَاعُ بِشَيْءٍ مِنْ هَذَا حَرَامٌ مُحَرَّمٌ» (قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱) و با ذکر روایت از مجالس مفید ثانی پسر شیخ طوسی «کُلُّ مَا أَلْهَىٰ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ الْمَيْسِرُ» (طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۳۴۵) و مؤتقه زراره از ابی عبد الله (ع) «أَنَّهُ سَأَلَ عَنِ الشُّطْرَنْجِ وَ عَنِ لَعْبَةِ شَيْبِ بْنِ أَلْتَىٰ يُقَالُ لَهَا: لَعْبَةُ الْأَمِيرِ وَ عَنِ لَعْبَةِ الثَّلَاثِ؟ فَقَالَ: أُرَأَيْتَكَ إِذَا مِيزَ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ مَعَ أَيِّهِمَا تَكُونُ؟ قُلْتُ: مَعَ الْبَاطِلِ، قَالَ: فَلَا خَيْرَ فِيهِ» (حرالعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۲، ص ۲۳۸) و عبد الواحد بن مختار «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمَشْغُولٌ عَنِ اللَّعْبِ» (حرالعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۲، ص ۲۳۹) بیان کرده است: که معنای قمار در اینجا انصراف به بازی با آلات قمار دارد و راهنه (برد و باخت) در این حرمت هیچ موضوعیتی ندارد. (انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۷۴)

۲-۲. بازی با آلات قمار

با تتبع در کلام فقهاء امامیه این موضوع بدست می آید؛ اقسام و شاخه های قمار از چهار صورت خارج نیست:

الف- بازی با آلات قمار با شرط بندی: این صورت از نظر تمام فقهاء امامیه بنابر اجماع و اخبار متواتر (حرالعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۲، ص ۱۱۹) حرام است و از گناهان بزرگ محسوب می گردد. (انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۷۲) زیرا بر این صورت «عنوان قمار و میسر» منطبق است.

ب- بازی با آلات قمار بدون شرط بندی: این صورت از نظر همه علمای شیعه حرام است. اما در صدق «عنوان قمار» بر این مورد از سوی برخی از فقهاء اشکال شده است. زیرا «برد و باخت» در «تعریف قمار» لحاظ شده در حالی در این قسم بازی بدون «برد و باخت» می باشد. (انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۷۲) اما این اشکال با توجه به روایات مرتفع می گردد. در روایت آمده

است: «سالت ابا عبدالله عن العبد بالشطرنج، فقال: ان المومن لمشغول عن اللعب...». (حرالعالمی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۲، ص ۲۳۹)

ج- بازی با غیر آلاتِ قمار با شرط بندی: این صورت از نظر تمام علمای شیعه، براساس اجماع و روایت معتبر از امام صادق (ع) حرام می‌باشد. (انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۷۵) در روایت آمده است: «عن ابی عبدالله قال: سمعته یقول: لا بأس بشهادة الذی یلعب بالحمام و لا بأس بشهادة المرأهن علیه فان رسول الله (ص) قد أجرى الخیل و سابق و کان یقول: ان ملائکه تحصر الرهان فی الخف و الحاضر و اتریش و ما سوی ذلک فهو قمار حرام». (حرالعالمی، محمدبن حسن، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۳، ص ۳۴۹)

د- بازی با غیر آلاتِ قمار بدون شرط بندی: این قسم مورد اختلاف فقهاء امامیه است. زیرا این نوع بازی‌های بعنوان سرگرمی انجام می‌گردد؛ که عده‌ای تحریم (طباطبائی کربلایی، سیدعلی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۴۱) و برخی دیگر تجویز فرموده‌اند (جبعی عاملی (شهیدثانی)، زین‌الدین بن علی، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۳۰۱) و بعضی هم تفصیل داده‌اند: که اگر از ابزار قمار در عرف شمرده می‌شود؛ در این صورت بازی حرام است و در غیر اینصورت حرمت ندارد. (لقمانی، احمد، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۲۳) با توجه به مطالب فوق این نتیجه بدست می‌آید؛ که طبق اتفاق نظر علمای دینی قسم اول و سوم باطل و حرام می‌باشند و قسم چهارم قمار نبوده و به هیچ وجه حرمتی ندارد. تنها مورد محل اختلاف، قسم دوم می‌باشد؛ که نظر اکثر فقها در این خصوص نیز حرمت است.

۲-۳. مقایسه قرارداد آتی سکه با قرارداد قماری

برخی از پژوهشگران شیعه (صالح‌آبادی، علی، ۱۳۸۵، ص ۲۱) و اهل سنت (شیخ‌قره‌داغی، علی‌محمّد الدین، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۵) قرارداد آتی سکه را نوعی قمار بازی دانسته و باطل می‌دانند. اما این نظریه صحیح نمی‌باشد. زیرا؛ اگرچه خریداران و فروشندگان قراردادهای آتی در بازار بورس کالا شانس خود را می‌آزمایند و به امید کسب سودهای بالا (پیش‌بینی معقول) ضررهای احتمالی را به جان می‌خرند؛ اما قرارداد آتی سکه با قمار ماهیّتاً تفاوت دارد. قرارداد آتی سکه براساس محاسبه دقیق و پیچیده انجام می‌پذیرد، ولی قمار کاملاً به شانس (احتمالات بر پایه شک) وابسته است. همچنین قمار در اصطلاح فقه، بازی با آلاتِ قمار همراه با گروبندی می‌باشد؛ اما مفهوم بازی در

قراردادهای آتی سکه موضوعیت ندارد و همچنین سامانه قراردادهای آتی شباهتی به آلات قمار ندارد. (معصومی‌نیا، غلامعلی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۶) اما اشکال دیگری که به قراردادهای آتی سکه وجود دارد؛ این است که: «تقریباً صددرصد موارد (قراردادهای آتی) به تأدیه منجر نمی‌شود و همه کسانی که نسبت به خرید یا فروش این قراردادها اقدام می‌کنند؛ از این امر آگاهی کامل دارند. بنابراین معامله جنبه صوری پیدا می‌کند و در نتیجه ارکان معامله این ناحیه دچار اختلال می‌شود. طرفین به امر اقدام می‌کنند؛ که قصد آن را ندارند و تنها هدف آنان این است؛ که با دادن و گرفتن مابه‌التفاوت قیمت‌ها، معامله را تسویه کنند». (معصومی‌نیا، غلامعلی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۷) اما کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار با قراردادن سه شرط اشکالات قماری بودن و صوری بودن قراردادی آتی سکه را مرتفع نموده‌اند: «شرط اول- دارایی پایه باید دارایی واقعی مثل: کالاهای فلزی نظیر طلا، نقره، مس، آهن، آلومینیوم و غیره یا کالای کشاورزی مثل جو، ذرت، گندم و غیره یا اینکه دارایی مالی مشروع همانند: سهام، اوراق مشارکت، صکوک اجاره و غیره باشد. اگر دارایی واقعی نباشد؛ همانند: اوراق قرضه، شاخص سهام و سایر شاخص‌ها، نرخ بهره، این نوع فیوچرز روی دارایی‌های غیر واقعی باطل است. شرط دوم- دارایی باید قابلیت تحویل در سررسید را داشته باشد. یعنی در سررسید دو طرف معامله باید قدرت تسویه فیزیکی قرارداد را داشته باشند. ممکن است که در سررسید دو طرف معامله بخواهند تسویه نقدی کنند، اما چون قرارداد فیوچر براساس فقه اسلامی روی قرارداد واقعی می‌رود، باید احراز شود که دو طرف معامله قابلیت تحویل فیزیکی در زمان مقرر را دارند. براین اساس کارگزار باید احراز کند؛ که فروشنده قدرت تحویل در سررسید را دارد. شرط سوم- کل بازار قدرت تحویل را داشته باشد، اگر حجم معاملات بازار از سطحی بالاتر برود و قدرت بر تحویل نبوده باشد، سازمان بورس باید جلوی چنین معامله‌ای را بگیرد. بنابراین فیوچر با این قیدها روی کالاها را باید پذیرفت.» (<https://donya-e-eqtasad.com>)

۳. قرارداد آتی سکه در حقوق مدنی فرانسه (اصلاحیه ۲۰۱۶)

در این بخش «قرارداد آتی سکه» از نظر قانون مدنی فرانسه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. شرایط کلی عقد بیع

شرایط کامل عقد بیع در قانون مدنی فرانسه (اصلاحیه ۲۰۱۶) به شرح ذیل است:^۱

الف- عقد بیع: «توافق اراده دو یا چند نفر به منظور ایجاد، تغییر، انتقال و یا سقوط تعهدات».

(ماده ۱۱۰۱ ق.م) از این ماده قانون چند موضوع استنباط می‌شود:

۱- تعهدات: «تعهدات از اعمال حقوقی، وقایع حقوقی و یا به صرف تجویز قانون بوجود می‌آیند.

ممکن است تعهدات از اجرای اختیاری یا وعده اجرای تعهد وجدانی در مقابل دیگری، نشأت گرفته شده باشند». (ماده ۱۱۰۰ ق.م) اما اعمال حقوقی «عبارت‌اند از اینکه قصد معطوف با ایجاد آثار قانونی ابراز گردد. ممکن است اعمال حقوقی عقد یا ایقاع باشند. شرط صحت و تحقق آثار اعمال حقوقی، تا حد ضرورت این است که از قوانین حاکم بر قراردادهای تبعیت کنند» (ماده ۱-۱۱۰۰ ق.م) و همچنین وقایع حقوقی «اقدامات و یا رویدادهایی هستند که قانون آثار حقوقی بر آنها مترتب می‌سازد. تعهدات ناشی از وقایع حقوقی بر حسب مورد تابع قوانین مسئولیت مدنی یا سایر قوانین مرتبط به منابع تعهدات خواهد بود». (ماده ۲-۱۱۰۰ ق.م)

۲- طرفین قرارداد: «هر شخصی آزاد است؛ که قرارداد یا تعهدی را بوجود بیاورد یا نیابد و

همچنین آزاد است تا حدی که قانون مجاز می‌داند طرف قرارداد خویش، محتوا و شکل قرارداد را مشخص نماید. اصل آزادی قراردادهای اصل نظم عمومی را نقض نمی‌نماید». (ماده ۱۱۰۲ ق.م)

۳- نوع توافق: «تعهداتی که مطابق قانون ایجاد شده‌اند؛ برای کسانی که آنها را منعقد کرده‌اند؛

حکم قانون را دارند». (ماده ۱۱۰۳ ق.م) البته «باید بر پایه حسن نیت باشد». (ماده ۱۱۰۴ ق.م) همچنین «عقود فارغ از اینکه عقد معین باشند یا نباشند، تابع قواعد عمومی قراردادهای مذکور در فصل حاضر (قواعد مقدماتی) می‌باشند. قواعد خاص عقود معین، در قسمت مقررات مخصوص

۱- رجوع شود به کتاب: اصلاحات در قانون تعهدات فرانسه (امیرعباس بزرگمهر و غزال مهرانی).

به هریک از آن عقود ذکر شده است. در صورت تعارض، قواعد خاص بر قواعد عام مقدم هستند». (ماده ۱۱۰۵ ق.م)

ب- انعقاد قرارداد: انعقاد قرارداد به شرح ذیل می‌باشد:

۱- مذاکرات: «طرفین قرارداد در شروع و ادامه و خاتمه مذاکرات پیش از انعقاد نهایی عقد، آزاد هستند... چنانچه اشتباهی در مذاکرات پیش آید؛ در صورت تحقق تقصر در مذاکرات، جبران خسارت ناشی از ضرر عدم‌النفع ناشی از قرارداد انجام نشده، قابل مطالبه نمی‌باشد». (ماده ۱۱۱۲ ق.م) البته «طرفی که اطلاعاتی... که در رضایت طرف مقابل نقش مؤثر دارد؛ در دست دارد باید به طرف دیگر را مطلع سازد... و این اطلاعات مهم تعیین کننده تلقی می‌شود». (ماده ۱-۱۱۱۲ ق.م) لازم بذکر است؛ «هر کس بدون اجازه، از اطلاعات محرمانه بدست آمده در طول مذاکرات استفاده کند و یا آن را افشا نماید؛ مطابق شرایط قواعد عام مسئولیت مدنی، مسئول خواهد بود». (ماده ۲-۱۱۱۲ ق.م)

۲- ایجاب و قبول: «عقد متشکل از بیان یک ایجاب و یک قبول که به واسطه آن طرفین اراده خود را برای ایجاد اعلام می‌دارند. این میل و اراده ممکن است؛ بیان شود و یا از رفتار غیرمبهم گوینده آن استنباط شود». (ماده ۱۱۱۳ ق.م)

الف- ایجاب: «ایجاب چه برای طرف معین و چه غیر معین در برگیرنده پیشنهاد انعقاد قرارداد از سوی موجب که در صورت قبول ایجاب از طرف مقابل، ملزم به التزام عقد است». (ماده ۱۱۱۴ ق.م) البته «ایجاب تا زمانیکه به اطلاع مخاطب نرسد؛ قابل رجوع است» (ماده ۱۱۱۵ ق.م) لازم بذکر است «موجب اگر مدت زمان برای ایجاب در نظر گرفته باشد؛ قابل رجوع نیست و در صورت عدم تعیین مدت زمان، مدت زمان معقولی باید در نظر گرفت». (ماده ۱۱۱۶ ق.م) در صورت «انقضای زمانی که موجب تعیین کرده است؛ ایجاب از بین رود و در صورت عدم تعیین وجود زمان مشخص، بعد از گذشت مدت زمان معقول ایجاب بی‌اثر می‌گردد». (ماده ۱۱۱۷ ق.م) در آخر اینکه «ایجاب در صورت زوال اهلیت یا فوت، زایل می‌گردد». (ماده ۱۱۱۷ ق.م)

ب- قبول: «قبول عبارت است از ابراز قصد اعلام کننده آن برای التزام به شرط ایجاب تا زمانیکه قبول توسط موجب دریافت نشده است؛ می‌تواند آزادانه مسترد شود... چنانچه قبول با ایجاب

مطابقت نداشته باشد؛ فی نفسه اثر نخواهد داشت». (ماده ۱۱۱۴ ق.م) البته «سکوت به معنای قبول نیست مگر بواسطه قانون یا رویه قضایی، عرف تجاری یا سایر اوضاع و احوال خاص». (ماده ۱۱۱۹ ق.م) لازم بذکر است «قانون یا قرارداد می‌تواند مهلتی را برای اندیشیدن در نظر بگیرد که در آن زمان (قبل از انقضا) قابل نمی‌تواند قبول خود را اعلام کند». (ماده ۱۱۱۲ ق.م)

۳- در اعتبار قراردادها: «برای اعتبار قرارداد سه شرط لازم است: ۱- رضای طرفین قرارداد. ۲-

اهلیت طرفین قرارداد. ۳- موضوع مشروع و معین». (ماده ۱۱۱۴ ق.م)

الف- رضای طرفین قرارداد: «مطابق ماده ۱-۴۱۴ برای ایجاد یک قرارداد معتبر، شخص

بایستی دارای عقل سلیم باشد». (ماده ۱۱۲۸ ق.م) البته «اشتباه، تدلیس و اکراه موجب بطلان رضا می‌شوند». (ماده ۱۱۳۰ ق.م) اشتباه در «صورتی که ارتباطی با اوصاف جوهری مورد تعهد یا شخص نباشد؛ موجب بطلان عقد نمی‌شود» (ماده ۱۱۳۵ ق.م) و همچنین «اشتباه در مورد قیمت معامله... موجب بطلان عقد نیست». (ماده ۱۱۳۶ ق.م) لازم بذکر است «تهدید شخص به اقدام قانونی موجب اکراه نیست مگر اینکه به دنبال کسب مزایای بیش اندازه باشد». (ماده ۱۱۴۱ ق.م) در آخر اینکه «زمان طرح دعوی بطلان، در مورد اشتباه یا تدلیس از روز علم به آن و در خصوص اکراه از روز قطع آن آغاز می‌گردد». (ماده ۱۱۴۴ ق.م)

ب- اهلیت طرفین قرارداد: «هر شخص حقیقی می‌تواند عقدی را منعقد نماید؛ مگر اینکه قانون

عدم اهلیت او را اعلام کرده باشد.

اهلیت اشخاص حقوقی با توجه به قواعد حاکم بر هر کدام محدود به اعمالی است که در راستای اجرای هدفشان مفید است و مطابق اساسنامه آنها تعریف شده و اعمالی که جهت موارد فوق التزامی (تبعی) می‌باشند». (ماده ۱۱۴۵ ق.م) البته «اشخاص فاقد اهلیت برای معامله به شرح زیر هستند: ۱- افراد صغیر. اشخاص کبیر تحت حمایت به موجب مصادیق مقرر در ماده ۴۲۵ (سفیه)». (ماده ۱۱۴۶ ق.م) همچنین «چنانچه نماینده دچار فقدان اهلیت شود یا از انجام عمل مورد نظر منع شده شود؛ اختیارات نمایندگی او ساقط می‌شود». (ماده ۱۱۶۰ ق.م)

ج- موضوع مشروع و معین: براساس ماده ۱۱۶۳ ق.م «قرارداد می‌بایست دارای مورد تعهدی

باشد که حال یا آینده است. این موضوع باید ممکن و معین و یا قابل تعیین باشد. منفعت قابل

تعیین است؛ چنانچه بتوان آن را از طریق قرارداد یا با رجوع به عرف و رابطه پیشین طرفین، بدون اینکه انتظار به توافقنامه جدیدی بین آنها باشد، آن را مشخص کرد» تعیین مقدار ثمن و مبیع، از عناصر مهم قرارداد بیع است. البته مطابق ماده ۱۱۶۴ ق.م «قیمت بصورت یکجانبه منوط به نظر شخصی شود که وظیفه توجیه تعیین قیمت مورد اختلاف را داشته باشد» تعیین ثمن به حکم یکی از طرفین معامله صحیح می‌باشد و اگر در قیمت گذاری سوءاستفاده نماید؛ «قاضی با در نظر گرفتن خسارت واداره بر دیگری موضوع را بررسی می‌کند و یا حکم به فسخ قرارداد می‌دهد». (ماده ۱۱۶۴ ق.م) لازم بذکر است؛ در یک صورت مقدار ثمن و یا کیفیت و اوصاف مبیع می‌تواند در قرارداد بطور دقیق تعیین نکرد؛ که در قرارداد ذکر شود «باید از طریق ارجاع به شاخص تعیین شوند» (ماده ۱۱۶۷ ق.م) و «در صورت عدم وجود شاخص یا معدم بودن شاخص، مرجع شاخص دیگری که نزدیک به آن قبلی است جایگزین می‌شود». (ماده ۱۱۶۷ ق.م)

۳-۲. قرارداد آتی

براساس ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی فرانسه یکی از اقسام عقود قانونی «Contrat aleatoire» می‌باشد؛ که معادل عقد زمانی احتمالی (بختکی) است. قانون مدنی فرانسه چنین تعریف نموده است: «طرفین قرارداد توافق نمایند؛ که آثار قرارداد در خصوص سود یا زیان ناشی از قرارداد، معلق به یک رویداد نامعین باشد». (بزرگهرومهرانی، امیرعباس و غزال، ۱۳۹۵، ص ۲۴) برخی از نویسندگان علم حقوق عقد احتمالی را اینگونه تعریف نموده‌اند: «در عقد زمانی احتمالی طرفین تعهد متقابل دارند؛ ولی وصول یکی از طرفین یا هر دو طرف به اثر عقد، بستگی به بخت و اتفاق دارد و در حین عقد نمی‌توان آن را تحدید و معین نمود، مانند: عقد قمار و عقد بیمه». (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۴، ص ۴۵۵) در مورد مصداق «عقد احتمالی» میان حقوقدانان اختلاف است: برخی از انواع قمار دانسته و برخی دیگر آن را معامله غرری می‌دانند. (امامی، حسن، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۱۱) در ضمن عقد احتمالی به معنای «عقد مغایه‌ای» و «عقد شانس» نیز بیان شده است. «در عقد شانس طرفین (مانند عقد قمار) و یا یک طرف (مانند بیمه) بر یکی از امور ذیل توافق کنند:

الف - شانس حصول منفعت، مانند: شرط بندی.

ب- تضمین در مقابل شانس از دست دادن منفعت، مانند: عقد بیمه». (جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۴، ص ۴۵۸). با توجه به مطالب فوق از ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی فرانسه این نکته‌ها بدست می‌آید: عقد احتمالی براساس حصول نفع یا خسارت می‌باشد. در عقد احتمالی، احتمال نفع و ضرر از ناحیه هر دو طرف عقد است. (نه از ناحیه یک طرف). عقد احتمالی، معین کردن نفع یا خسارت بر واقعه نامعین که زمان حصول آن مشخص نمی‌باشد. در آخر اینکه عقد احتمالی در حقوق مدنی فرانسه هیچ شباهتی با عقد غرر در حقوق اسلامی ندارد. زیرا: «عقد احتمالی عبارت از عقدی است؛ که تعادل قراردادی بر شانس سود یا زیان برای هر دو طرف قرارداد بر حسب یک امر نامعین استوار باشد، مانند: عقد بیمه، شرط بندی، قمار، عقد به صورت رهن که صاحب کشتی در مقابل گروه‌گذاران کشتی، مبلغی دریافت می‌دارد (A bottomry bond) و یا عقد درباره پرداخت اقساط سالیانه‌ای که با مرگ طلب کار یا بده کار پایان یابد. (A contract for life annuity) در حالی که در حقوق اسلام، عقد غرری عبارت است: «از خرید و فروش چیزی که وجود و عدم آن مشخص نیست و یا از نظر کمیت (مقدار، اندازه و...) مجهول است و یا به قدرت بر تسلیم آن اطمینان وجود ندارد. بنابراین، می‌توان گفت اگر چه عقد احتمالی در حقوق فرانسه و عقد غرر در حقوق اسلام، از نظر مفهوم تا حدودی به یک دیگر نزدیک هستند، ولی از نظر مصادیق و افراد مختلف می‌باشند. افزون بر این، از نظر آثار و احکام نیز بین آنها تمایز وجود دارد». (رفیعی، محمدتقی، ۱۳۸۷، ص ۲۸)

۳-۳. قرارداد آتی سکه

قرارداد آتی سکه در جهان بخاطر وجود ریسک و خطر ناشی از تغییرات قیمت‌ها در آینده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این نوع قراردادها خریدار و فروشنده با یکدیگر توافق می‌کنند؛ که معامله را با قیمت توافقی در آینده انجام دهند. در این نوع قرارداد خریدار از جهت افزایش قیمت‌ها و فروشنده از جهت کاهش قیمت نگرانی نخواهند داشت. با توجه ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی فرانسه، شرایط قرارداد آتی سکه به شرح ذیل است:

۱- در قرارداد آتی سکه از نظر موضوع عقد و اثر به تبع عقد، عهدی می‌باشد. چرا که «طرفین قرارداد توافق نمایند؛ که آثار قرارداد در خصوص سود یا زیان ناشی از قرارداد، معلق به یک رویداد نامعین باشد». (ماده ۱۱۰۸ ق.م)

۲- قرارداد آتی سکه علاوه بر داشتن شرایط معتبر یک قرارداد (رضای طرفین قرارداد و اهلیت طرفین قرارداد و موضوع مشروع و معین) (ماده ۱۱۱۴ ق.م.) باید تمامی خصوصیات عوضین (مبیع و ثمن) در قرارداد ثبت شود (ماده ۱۱۶۳ ق.م.) تا هیچ گونه جهل (غرر) وجود نداشته باشد. البته لازم بذکر است؛ ریسک ناشی از نوسانات قیمت در بازار، غرر محسوب نمی‌شود. چرا که وجود ریسک در فعالیتهای تجاری و اقتصادی طبیعی است. در قلمرو اقتصادی «یک تصمیم، هنگامی با ریسک همراه است؛ که نتایج محتمل مختلفی با احتمالات مفروض و معینی بر آن مترتب باشد. بدین ترتیب ریسک با «عدم قطعیت» که گویای مجموعه نتایجی است؛ که احتمالات معینی را نمی‌توان به آن نسبت داد، تفاوت دارد». (مریدی و نوروزی، سیاوش و علیرضا، ص ۳۹۲) در قلمرو فعالیت اقتصادی، دو نوع ریسک وجود دارد:

الف- در فعالیت اقتصادی که ترس از خسارت و امید به دست آوردن سود، بطور یکسان وجود دارد. بعنوان مثال: تولیدکننده تصمیم به تولید کالایی که چند ماه بعد در بازار جهت فروش عرضه خواهد شد؛ می‌گیرد. در حال حاضر هزینه تولید این کالا مشخص است؛ ولی درآمد حاصل از فروش کالا برای تولیدکننده دقیقاً معلوم نیست. (صدیقی، محمدنجات‌الله، ص ۲۴) در فعالیتهای اقتصادی هر تولیدکننده یا تاجری براساس شرایط اقتصادی جامعه، محاسباتی انجام می‌دهد؛ که امکان صحیح بودن یا غلط بودن در آن است. این نمونه‌ای ریسک محض اقتصادی می‌باشد.

ب- در فعالیت اقتصادی که ترس از خسارت وجود دارد. بعنوان مثال: یک تولیدکننده لوازم بلوری یقین به شکست بعضی از مصنوعات بلوری خود در حمل و نقل دارد. (صدیقی، محمدنجات‌الله، ص ۲۵)

۳- قرارداد آتی سکه «عقدی لازم» است (ماده ۱۱۰۳ ق.م.) و فقط براساس «ترازی طرفین یا به سببی که قانون آن را مجاز می‌شمارند؛ قابل تعدیل یا فسخ می‌باشد». (ماده ۱۱۹۳ ق.م.)

۴- در قرارداد آتی سکه موضوع مورد توافق به آینده موکول شده است؛ که مطابق ماده ۱۱۶۳ قانون مدنی فرانسه صحیح می‌باشد. البته طرفین قرارداد می‌توانند با استفاده از مکانیزمهای بازار آتی، تعهدات خود را ساقط کنند؛ که این امر تأثیری در قصد طرفین در موضوع قرارداد ندارد. بعبارت دیگر؛ در هنگام انعقاد قرارداد چون قصد واقعی نسبت به معامله، وجود داشته است؛ تصمیم

آینده هر یک از طرفین در مورد معامله (فسخ یا ایفای تعهد) تأثیری بر روی آن ندارد. چه بسا برخی بیان کنند؛ وجود ودیعه در قرارداد آتی سکه سبب تردید در وجود قصد واقعی از سوی طرفین است. (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۳، ص ۲۲۴-۲۲۳) البته این امر صحیح نمی‌باشد؛ زیرا وجود ودیعه در واقع نوعی اختیار عدول (خيار فسخ) است؛ (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۳، ص ۲۲۴-۲۲۳) که منافاتی با اراده بر انعقاد قرارداد ندارد.

۵- قرارداد آتی سکه هیچ شباهتی با «عقد قماری» در حقوق اسلامی ندارد. اگرچه قرارداد قمار با قرارداد آتی به لحاظ مجهول بودن

نتیجه، مجهول هستند اما دارای تفاوت ماهوی می‌باشند. (هر عقدی که نتیجه آن مجهول باشد؛ قمار نامیده نمی‌شود) گروبندی قرارداد خاصی هست؛ ولی عقد آتی سکه، فرآیندی خطرآفرین می‌باشد؛ که در آن احتمال سود و خسارت می‌رود. (ماده ۱۱۰۸ ق.م) در قراردادهای آتی سکه افزایش یا کاهش قیمت سکه براساس وضعیت بازار و تغییرات حقوق مالی و تحلیل‌ها و محاسبات طرفین است اما در قمار کسب سود و زیان نتیجه بازی (واقعه غیرمعلومی) است. بعبارت دیگر؛ در ترمینولوژی حقوق، شرط بندی عقدی است؛ «که بین طرفین بسته می‌شود بدین صورتی که یک طرف امری را اثبات و دیگری آن را نفی می‌کند، که در صورت صحیح بودن اظهار هر کسی دیگری مال معینی را به او بدهد». (جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۴، ص ۵۸۲) اگر «هر نوع شرط بندی در مقابل عوض» (جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۴، ص ۵۵۱) به همراه «آلات قمار» باشد. (امامی، حسن، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۱۰) اما در عقد احتمالی، مقوله «شرط بندی» و «آلات قمار» موضوعیت ندارد.

نتیجه

امروزه بیشتر معاملات سکه در کشور بر مبنای قرارداد آتی (Futures) صورت می‌گیرد. بدین صورت که خریدار اقدام به خرید تعدادی محدود سکه می‌کند ولیکن تحویل آنها چند ماه بعد از انعقاد قرارداد صورت می‌گیرد. در این نوع قراردادها الزامی بر رد و بدل فیزیکی مورد معامله (سکه‌های مورد توافق) نمی‌باشد.

در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی فرانسه، قرارداد آتی با عنوان «Contrat aleatoire» مجاز قرار گرفته است. اما این قرارداد دارای سه اشکال اساسی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق ایران است.

اشکال اول: اما در این نوع قرارداد «قبض ثمن فی المجلس» بخاطر تعیین زمان انجام

نمی‌پذیرد.

اشکال دوم: «فروش مبیع قبل از سررسید» بوسیله اخذ یک موقعیت فروش توسط مشتری

امکان پذیر است.

اشکال سوم: در این قرارداد «احتمال سود و زیان» برای هریک از طرفین بطور مساوی وجود

دارد؛ که مشابه با «قرارداد قماری» می‌باشد.

با بررسی و مطالعه در دو مبحث «بیع السلف» و «بیع الدین» می‌توان به این نتیجه رسید؛ که مشهور فقهاء امامیه بر دو شرط «قبض ثمن در مجلس عقد» و «ممنوعیت فروش مبیع قبل از سررسید» در «عقد سلف» اتفاق نظر دارند. البته با تحقیقات صورت گرفته مشخص شد؛ که دلیل قابل استنادی برای این مدعا وجود ندارد و این دو شرط براساس «اجتهاد و مصلحت اندیشی» مشهور فقهاء امامیه بوده است. همچنین «بیع الدین بالدین» اگر به «موجب عقد» ایجاد گردد؛ این نوع بیع جایز است. همچنین «قمار» در این نوع قرارداد موضوعیت ندارد. زیرا در اصطلاح فقه «قمار» به معنای «بازی با آلات قمار همراه با گروندی» می‌باشد و «مفهوم بازی» در قراردادهای آتی سکه وجود نداشته و «سامانه قراردادهای آتی» شباهتی به «آلات قمار» ندارد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۴۲۱ق)، النهایه، قم، نشر اسماعیلیان.
- ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ ق)، السرائر، قم، انتشارات اسلامی.
- ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۲۸ ق)، زاد المعاد، دمشق، دار الآفاق العربیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، بیروت، دار الفکر.
- اراکي، محمد علی (بی تا)، البیع، قم، موسسه اسماعیلیان.
- امامی، حسن (۱۳۷۸)، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- انصاری، مرتضی (۱۳۸۷)، مکاسب، قم، موسسه مطبوعاتی دینی.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳)، الحدائق الناظرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- البرآج الطرابلسی (القاضی ابن البراج)، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المهذب، قم، النشر الإسلامی.
- بزرگمهر، امیر عباس و مهرانی، غزال (۱۳۹۵)، اصلاحات در قانون تعهدات فرانسه، دانشگاه عدالت، تهران.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۲۰ ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ ق)، مسالک الافهام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸)، دائره المعارف حقوقی مدنی و تجارت، تهران، گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوقی، تهران، گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲)، فرهنگ عناصر شناسی، تهران، گنج دانش.
- حر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة (۱۴۱۶)، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۳۷۵)، ایصال الطالب الی اسرار مکاسب، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- حسینی روحانی، سید صادق (۱۴۱۲ ق)، فقه الصادق (ع)، قم، دارالکتاب مدرسه امام صادق (ع).
- حسینی عاملی، سید محمد جواد (۱۴۱۹ق)، مفتاح الکرامه، قم، النشر الاسلامی.
- حلی (ابن فهد)، جمال الدین (۱۴۰۷)، المهذب، قم، انتشارات اسلامی.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق)، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، دمشق، دار الفکر.
- خرازی، محسن (بی تا)، مجله فقه أهل البيت (ع) بالعربیة، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- دادمرزی، سید مهدی (۱۳۸۱)، فقه استدلالی (ترجمه تحریرالروضه فی شرح اللمعه)، قم، چاپ زیتون.
- درخشان، مسعود (۱۳۹۰)، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، تهران، موسسه مطالعات بین المللی انرژی.

رفیعی، محمدتقی (۱۳۸۷)، مطالعه تطبیقی غرر در معامله در حقوق اسلام و ایران و کوانسیون بیع بین‌المللی، قم، بوستان کتاب.

ره‌پیک، حسن (۱۳۸۷)، عقودمعین ۱، تهران، انتشارات خرسندی.

سیزوری (محقق) (۱۳۸۸)، سیدعبدالاعلی، مهذب الاحکام، قم، دار التفسیر.

طباطبایی قمی، سیدتقی (۱۴۱۰ق)، منهاج‌الصالحین، قم، منشورات مکتبه‌المفید.

طباطبائی کربلایی، سیدعلی (۱۴۰۴ ق)، ریاض‌المسائل، قم، موسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام لاجیاء‌التراث.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع‌البحرین، تهران، مکتبه‌المرتضویه.

طوسی، محمدبن‌الحسن، النهایه، بیروت، دارالکتاب‌العربی، (بی‌تا).

طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۳۹۰ ق)، تهذیب‌الاحکام، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه.

طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۴۱۴ ق)، الأملی، قم، دارالثقافه.

صالح‌آبادی، علی (۱۳۸۵)، بازارهای مالی اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

صدیقی، محمدنجات (۱۳۷۱)، بیمه در سیستم اقتصادی اسلامی، ترجمه واحد ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم، انتشارات دنا.

العالمی (شهیداول)، (بی‌تا)، محمدبن‌مکی، الدروس‌الشرعیه، قم، نشراسلامی.

فیروزآبادی (بی‌تا)، محمدبن‌یعقوب (بی‌تا)، القاموس‌المحیط، بیروت، دارالکتب‌العلمیه.

شیخ‌قره‌داغی، علی‌محمّدالدین (۱۴۲۶ ق)، مجمع‌الفقه‌الاسلامی (عددالسادس - جزءاول)، بیروت، دار البشایر اسلامیة.

قمی، علی‌بن‌ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، تفسیرالقمی، قم، دارالکتاب.

قمی (میرزا)، ابوالقاسم‌بن‌محمدحسن (۱۳۷۱)، جامع‌الشتات، تهران، کیهان.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱)، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت انتشارات.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳)، حقوق مدنی (عقودمعین ۱)، تهران، شرکت سهامی انتشار.

کاشف‌الغطاء، حسن (بی‌تا)، انوارالفقاهه (البیع)، قم، موسسه کاشف‌الغطاء.

کرکی (محقق‌ثانی)، علی‌بن‌الحسین (۱۴۰۹ ق)، الرسائل، قم، کتابخانه‌آیت‌الله‌مرعشی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه.

کیایی، عبدالله (۱۳۷۶)، التزامات‌بایع‌ومشتری، تهران، انتشارات فقتوس.

لقمانی، احمد (۱۳۸۴)، جوانان پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم، بهشت‌بینش.

مریدی، سیاوش و نوروزی، علیرضا (۱۳۷۳)، فرهنگ اقتصادی، تهران، انتشارات کتاب‌پیشبردونگاه.

معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۳۸۹)، بازارهای مشتقه‌بررسی فقهی‌واقصدی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ‌واندیشه‌اسلامی.

- مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵ ق)، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۴۱۳ ق)، قواعد الفقهيہ، قم، موسسه اسماعیلی.
- موسوی خمینی، روح الله (بی تا)، کتاب الطہارۃ، قم، مطبعہ الحکمہ.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱ ق)، کتاب البیع (۵ جلد)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۰۴ ق)، زبدۃ الأحکام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، تحریر الوسیلہ، قم، دارالعلم.
- موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۲)، معجم رجال الحدیث، قم، نشر الثقافہ الاسلامیہ فی العالم.
- موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ ق)، مصباح الفقاهۃ، قم، انصاریان.
- موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ ق)، التنقیح فی شرح العروۃ الوثقی، قم، دارالہادی للمطبوعات.
- نایینی، محمد حسین (بی تا)، أجدود التقریرات، قم، مصطفوی.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، رجال نجاشی، قم، انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۷)، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- النعمان (مفید) (۱۴۱۰ ق)، محمد بن محمد، المقننہ، قم، نشر اسلامی.
- نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، موسسه آل بیت عليهم السلام.
- <https://donya-e-eqtesad.com> (تاریخ خبر ۱۳۹۰/۰۹/۲۲).